

حکم فقهی خروج زن مطلقه رجعی از منزل طلاق با توافق طرفین

بهنام کوشا^۱

چکیده:

مسأله طلاق از جمله مسائل مطرح در زمینه فقه خانواده و از گذشته، مورد توجه فقها بوده است. چنانچه در کتاب‌های فقهی مطرح شده، اگر مرد زنش را از خارج شدن منزل نهی و منع کند، خروج برای زن بدون اذن او حرام است و در طلاق رجعی نیز برای خارج شدن از منزل، باید اجازه بگیرد و از طرفی دیگر، مرد نمی‌تواند او را از منزل طلاق بیرون کند؛ اینک سؤال اصلی پژوهش حاضر، عبارت است از اینکه، در عده طلاق رجعی حکم خروج زن با اذن شوهر و توافق طرفین چیست؟ در نوشتار پیش‌رو با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و با تحلیل داده‌های فقهی به بررسی این فرع فقهی پرداخته شده است. در این مسأله، اقوال متفاوتی وجود دارد که پس از کاوش ادله‌ی مطرح شده در این باره، این نتیجه حاصل شد که، در صورت اذن زوج و توافق بر خروج، خارج شدن زن جایز و بدون اشکال است.

کلید واژه‌ها:

منزل طلاق، خروج زن مطلقه، خروج توافقی، مطلقه رجعی، مسکن طلاق.

۱. طلبه سطح دو و سه رشته تخصصی فقه و اصول.

۱- تبیین مسأله

یکی از موارد اختلاف و نزاع در بین افراد جامعه، اختلافات آنها در ازدواج هایی است که منجر به طلاق می گردد. اما در ذیل این مسأله، سؤالاتی مطرح می شود که، نیازمند پاسخی مناسب در شرع است؛ از جمله ی آنها، سؤالات مربوط به زن مطلقه می باشد که در کتب فقهی مطرح شده است. حال سؤالی که، پژوهش حاضر را به خود اختصاص داده، چنین است: در صورتی که بین زوجین طلاق محقق شود، خروج زن از منزل طلاق با توافق طرفین دارای چه حکمی است؟ آیا شرع اجازه خروج به زن مطلقه، از منزل طلاق را داده است یا خیر؟

برای رسیدن به پاسخ آن، باید مسأله را بر اساس مبانی وادله فقهی مورد بررسی قرار داد. از نکات مهمی که لازم به ذکر است و به عنوان نوآوری تحقیق حاضر شناخته می شود، بیان استدلال های جدید و متقن، و پاسخ های نو به مخالفین است.

از آنجایی که تحقق طلاق در جامعه زیاد بوده و از طرفی هم، آثار و پیامدهای آن فراوان است، ضرورت بررسی این مسائل، دوچندان می شود. از این رو، لازم و ضروری به نظر می رسد که، در نوشتار حاضر، با روش توصیفی - تحلیلی ادله فقهی، در پی پاسخ به سؤال اصلی تحقیق بود.

۲- پیشینه تحقیق

هر چند مسأله طلاق از دیرباز در فقه مطرح بوده و فروعات مختلف آن مدنظر فقها است؛ اما مسأله ی خروج زن از منزل طلاق با توافق طرفین، از فروعی است که به صورت مستقل و دقیق به آن پرداخته نشده، و در این باره، به طور خاص، اثر مستقلی از پایان نامه ها و مقالات، به رشته تحریر در نیامده است. بنابراین، پرداختن به این مسأله، می تواند از نوآوری های تحقیق حاضر، محسوب شود.

۳- مفهوم شناسی

۳-۱- طلاق در لغت و اصطلاح

طلاق در لغت یعنی گشودن گره- ازاله قید- رها کردن و آزاد کردن است. (فراهیدی، ۱۴۰۸ق: ۱۰۱/۵). و در اصطلاح، یعنی رفع قید (ازاله قید) نکاح (بر هم زدن بیوند زنا شویی) (سعدی ابو جیب، ۱۴۰۸ق: ۲۳۰/۱) و برخی معنای آن را جدایی دانسته اند. (قرشی، ۱۴۱۲ق: ۲۳۱/۴)

زن مطلقه هم، به خانمی اطلاق می شود که، صیغه طلاق (با سایر احکامی که دارد) برای او جاری شده است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۷ش: ۱۹۴/۵).

۳-۲- توافق در لغت و اصطلاح

توافق در لغت از ماده وفق به معنی مرافقت، مطابقت و همراهی بین دو چیز است. (طریحی، ۱۴۱۶ق: ۲۴۷/۵)

در اصطلاح فقه، به معنای مشارکت یکی از دو شخص با دیگری در جهت قول، فعل، ترک، اعتقاد آمده است؛ چه به خاطر دیگری باشد یا خیر. و برخی نیز، آن را به وحدت نظر دو یا چند نفر در امری تفسیر کرده اند. (عبد الرحمن، بی تا: ۳۷۳/۳؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۷ش: ۱۹۴/۵).

۳-۳- رجعی در لغت و اصطلاح

رجعی در لغت از ماده رجع به معنی برگشت مرد به اهلش بعد از طلاق است. (فراهیدی، ۱۴۰۸ق: ۲۲۶/۱) و در اصطلاح فقهاء، به این معنا است که، مرد زنش را بعد از دخول، کمتر از سه بار به غیر عوض طلاق دهد. (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق:

۴- پیش فرض و مبنا

در این پژوهش، یک مورد به عنوان پیش فرض و مبنا مدنظر نویسندگان بوده است که، به صورت خلاصه بدان اشاره می شود:

۴-۱- مشروعیت نفقه در عده رجعی

آنچه که از آیات و روایات حاصل می شود این است که، نفقه در عده رجعی بر مرد واجب است و از آنجا که مسکن یکی از مصادیق بارز نفقه است، پس زوج نمی تواند بعد از طلاق، زن را از مسکن محروم و اخراج نماید، مگر اینکه از طرف زن کاری زشت و فاحشه ای صادر شود. (عاملی، ۱۴۳۴ق: ۳/ ۳۸۰).

۵- اقوال مطرح شده نسبت به حکم خروج زن از منزل طلاق با توافق طرفین

معرکه ی آراء و اختلاف بین فقهاء در این زمینه است که، اگر زن و مرد رضایت داشته باشند در زمان عده ی رجعی، از یکدیگر دور باشند، آیا در این صورت نیز، خروج زن از منزل طلاق حرام و موجب عقوبت است یا خروج او اشکال نداشته و عقاب را در پی ندارد؟

اما پیش از پاسخ به سؤال ذکر شده، ضروری به نظر می رسد که، مراد از خروجی که مورد بحث واقع شده است، دانسته شود و آن عبارت است از اینکه، زوج بعد از طلاق رجعی، زن را از روی خشم اخراج نکند و الاّ به خاطر ادله ی صریح و قطعی که در ادامه ذکر می شود، به طور حتم، حرمت به آن تعلق می گیرد. (کلینی، ۱۴۲۹ق: ۵۶۷/۱۱؛ نجفی، ۱۴۰۴ق: ۳۲/۳۳۰؛ زمخسری، ۱۳۹۱ق: ۴/۶۷۸).

ضمناً، بدیهی به نظر می رسد که، اگر زن، برای احقاق حقوق خود، از منزل خارج شود، اشکال ندارد و حرمتی به آن تعلق نخواهد گرفت؛ زیرا در عرف، به این نوع

بیرون رفتن، اخراج صدق نمی‌کند. (همان)

اینک، نسبت به حکم خروج زن از منزل طلاق، با توافق زن و مرد، باید دیدگاه‌های مختلف را مطرح نمود.

در مجموع، برای مسأله‌ی فوق، چهار قول را می‌توان اشاره کرد که اختصار هر یک از آنها چنین است:

۱. مشهور فقها، قائل به عدم جواز چنین خروجی هستند. (عاملی، ۱۴۱۳ق: ۳۱۵/۹).

۲. گروهی دیگر بر این باورند که، چنین خروجی، اشکال ندارد. (حلی، ۱۴۰۳ق: ۳۱۲/۳).

۳. برخی از فقها معتقدند: زن حق خروج و یا اخراج توسط شوهر را ندارد و فقط در صورت اضطرار می‌تواند خارج شود. (نجفی، ۱۴۰۴ق: ۳۲۲/۳۲).

۴. و گروه چهارم از فقها، خروج زن را به بعد از نیمه‌ی شب، مقید کرده‌اند؛ البته مشروط بر آنکه، تا قبل از طلوع فجر برگردد. (یوسفی‌کاشف الرموز) ۱۴۱۷ق: ۲۳۱/۲).

اکنون، ذکر ادله‌ی هر یک از اقوال مطرح شده و نیز بررسی هر یک از آنها تا رسیدن به نتیجه‌ی مطلوب، ضروری به نظر می‌رسد:

۵-۱- ادله ی دیدگاه اول

قائلین به عدم جواز خروج زن از منزل طلاق در فرض مسأله، برای دیدگاه خود به ادله‌ای تمسک کرده‌اند:

الف: آیات

خداوند در قرآن می‌فرماید: ای پیامبر! هر زمان خواستید زنان را طلاق دهید، در زمان پایان عده، آنها را طلاق دهید [زمانی که از عادت ماهانه پاک شده و با همسرشان نزدیکی نکرده باشند] و حساب عده را نگه دارید؛ و از خدایی که پروردگار شماست بپرهیزید؛ نه شما آنها را از خانه‌هایشان بیرون کنید و نه آنها (در دوران عده) بیرون روند، مگر آنکه کار زشت آشکاری انجام دهند؛ این حدود خداست، و هر کس از حدود الهی تجاوز کند به خویشتن ستم کرده است..... (طلاق، ۱).

وجه استدلال: خداوند در این آیه، بعد از اشاره به بخشی از احکام طلاق به صراحت می‌فرماید: نباید زنان را از خانه طلاق بیرون کنید و آنها نیز خارج نشوند و صیغه نهی هم ظهور در حرمت دارد و این مورد از حدود الهی بوده و متجاوز از آن، مورد مذمت قرار گرفته است؛ بنابراین بیرون کردن آنها و بیرون رفتن خود زن، حرام است مگر فاحشه ی آشکاری رخ دهد که در این صورت، دیگر از بحث خارج می‌شود. (طوسی، ۱۳۸۷ق: ۲۵۳/۵؛ عاملی، ۱۴۱۳ق: ۳۱۴/۹).

ب: روایات

روایاتی درباره نگهداری عده رجعی و خروج زن مطلقه وارد شده که خروج یا اخراج را منع می‌کند؛ از جمله این روایات می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- از امام کاظم - علیه السلام - نسبت به مکانی که زن مطلقه باید در آن عده نگه

دارد، سوال شد، حضرت فرمودند: مکان سپری شدن عده خانه همسرش می باشد. (کلینی، ۱۴۲۹ق: ۵۵۷/۱۱).

وجه استدلال: از این روایت می توان استفاده کرد که، زن باید در خانه همسرش باقی بماند تا عده تمام شود و این ملازمه دارد با اینکه، نباید خارج و اخراج شود؛ اگرچه با توافق یکدیگر باشد.

۲- در روایت دیگر، از امام باقر یا امام صادق (علیهما السلام)، از مکان عده زن سوال شد، امام فرمودند: در عده رجعی، زن نباید بیرون شود و تا انتهای عده، زن نیز باید در خانه بماند. (همان)

وجه استدلال: در این روایت، علاوه بر اینکه مکان عده بیان شده است، تصریح در مطلوب دارد، که اگر زن در عده رجعی است، نباید او را بیرون کرد و زن هم نباید از آنجا خارج شود تا اینکه عده تمام گردد. (نجفی، ۱۴۰۴ق: ۳۳۱/۳۲).

۳- در روایت موثقه ای از امام (علیه السلام) نسبت به مکان عده زن سوال شد، امام فرمودند: در بیتش باید عده نگه دارد و از آنجا خارج نشود و در صورتی که قصد خروج دارد، بعد از نیمه ی شب خارج شود نه در روز. و نیز تا زمانی که عده تمام نشده باشد، حجی برای عهده ی او نیست. (کلینی، ۱۴۲۹ق: ۵۵۷/۱۱).

بنابراین گونه روایات، یک ملاک به دست می آید که، بیرون کردن زن و نیز بیرون رفتن خود زن از منزل طلاق (منزل همسر)، در زمان عده جایز نیست. (حلی، ۱۳۸۷ق: ۳۷۰/۳). و چون حرمت خروج به طور مطلق است، خروج او چه با توافق و چه بدون توافق، حرام خواهد بود. (عاملی، ۱۴۱۳ق: ۳۱۵/۹). برخی از فقها، نگهداری عده رجعی در منزل طلاق را، حق الله دانسته و قائل اند: اجازه زوج، نمی تواند رافع این حق الله باشد؛ پس توافق برای خروج، تاثیر ندارد. (عاملی، ۱۴۱۰ق: ۳۸۱/۳).

ج: اجماع

دلیل سومی که برای دیدگاه اول بیان شده است، اجماع فقهاست، که قائل اند: زن نمی تواند از منزل طلاق خارج شود. (نجفی، ۱۴۰۴ق: ۳۲/۳۳۰).

۵-۱-۱- نقد و بررسی

دیدگاه اول از سوی مخالفین مورد نقد و بررسی قرار گرفته و اشکالاتی بدان مطرح شده است.

این اشکالات را می توان چنین مطرح نمود:

۱- آیه شریفه و روایات: به نظر می رسد این ادله فقط در صدد بیان مکان سپری شدن عده رجعی هستند که زن باید در منزل شوهر باشد؛ اما اگر طرفین توافق بر خروج داشته باشند یا خروج با اذن شوهر همراه باشد، آیه و روایات ذکر شده نسبت به حکم آنها ثابت است و ممنوعیت آن را ثابت نمی کنند. به سخن دقیقتر، زمانی می توان از اطلاق این ادله استفاده کرد، که مقدمات حکمت وجود داشته باشد؛ و یکی از این مقدمات، در مقام بیان بودن متکلم است؛ در حالی که، در این ادله شارع مقدس در مقام بیان صورت توافق دو طرف برای خارج شدن زن، نیستند.

۲- در ادامه ادله ای برای مشروعیت خروج زن با توافق بیان خواهد شد که به نظر می رسد، ظهور بلکه تصریح آنها در این است که خروج زن در صورت رضایت شوهر جایز و بدون اشکال است؛ بنابراین، این دسته از ادله نیز می تواند مبین و مفسر روایات فوق باشد.

۳- نسبت به اجماع ادعا شده نیز، باید مطرح کرد که، معاهد اجماع بر این است که زن نباید بدون اذن در عده رجعی خارج شود و معقد اجماع در مورد توافق نیست. و

در صورتی که، این سخن پذیرفته شود چنانکه در بیان اقوال در مسأله گذشت، درباره خروج زن با اذن شوهر دیدگاه‌های مختلفی بیان شده و با وجود این اختلاف نظر، ادعای اجماع ناتمام است. (نجفی، ۱۴۰۴ق: ۳۲/۳۳۰).

۴- اما در پاسخ به «حق الله دانستن وجود زن در منزل طلاق»، آنچه به نظر می‌رسد این است که، ملاک در حق الله بودن چیزی این است که، بخشیدن شخص (ذو الحق) در رفتن یا بقاء عقوبت تعدی و سرکشی نقشی ندارد؛ یعنی کسی که مورد ستم واقع شده، اگرچه عفو هم نماید، ولی باز هم آن عقاب باقی خواهد بود. مانند: حدّ قذف. این سخن، برخلاف حق الناس است؛ زیرا اگر شخصی از حقش بگذرد، عقوبتی در کار نیست؛ حال، با توجه به روایاتی که تصریح دارند که با اذن زوج، خروج زن اشکال ندارد، معلوم می‌شود اجازه خروج، حق الناس است که زوج می‌تواند از آن رفع ید نماید.

۵-۲- ادله ی دیدگاه دوم

قائلین به جواز خروج زن از منزل طلاق با توافق طرفین، علاوه بر اشکالاتی که بر ادله دیدگاه مخالف وارد کرده‌اند، ادله‌ای را نیز، برای اثبات مدعای خود اقامه کرده‌اند:

الف: روایات

۱) در صحیحہ حلبی آمده است: برای زن مطلقه شایسته نیست در زمان عدّه که سه طهر است، (برای کسی که خون میبندد) و یا سه ماه است (برای زنی که خون نمی‌بندد)، از مسکن زوج خارج شود مگر به اذن شوهرش باشد. (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۲/۲۱۴؛ طوسی، ۱۴۰۷ق: ۸/۱۳۰).

وجه استدلال: این روایت تصریح دارد که زن از منزل طلاق در مکان عدّه، با اذن

شوهر می تواند بیرون رود. به دیگر سخن، اگر زن خواهان خروج باشد و این مسأله را با زوج مطرح و او هم قبول کند، خروج زن بدون اشکال است و این معنای توافق بین طرفین است. (حلی، ۱۴۰۸ق: ۳۲/۳).

(۲) در روایتی آمده است: زن مطلقه در عده می تواند با اجازه زوج خود، در مراسم حج شرکت کند. (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۲/۲۹؛ طوسی، ۱۴۰۷ق: ۸/۱۳۰).

وجه استدلال: از روایت فوق، این گونه حاصل می شود که، اذن زوج در خروج زن نافذ و نیز از حقوقی است که متعلق به اوست و می تواند از آن رفع ید نماید، همانطور که قبل از طلاق می توانست از حقش بگذرد و به او اذن خروج دهد. از این رو، برخی زن مطلقه رجعی را، از جهات مختلفی چون: نفقه، ارث بردن و... به منزله زوجه حقیقی و در حکم زوجه او می دانند به همین خاطر اذن او در این مسأله نیز نافذ است. (یزدی، ۱۴۱۴ق: ۱/۱۱۴).

(۳) آنچه از ظاهر آیه یک از سوره طلاق حاصل می شود، این است که، آیه اطلاق دارد؛ به این بیان که، می فرماید: زن نباید (از منزل طلاق) خارج شود و نیز نباید او را بیرون کنند؛ چه بر خروج به توافق برسند یا خیر! حال اگر این اطلاق را پذیرفته شود، به وسیله روایاتی که بیان شد، مقید می شوند؛ به این بیان که، خروج زن و نیز اخراج او از منزل طلاق در عده رجعی جایز نیست مگر اینکه زوج اجازه دهد.

(۴) برخی از علماء فرموده اند: حج مستحبی از این زن صحیح نیست مگر اینکه شوهرش اجازه دهد؛ حال از این عبارت فقهاء، این گونه بدست می آید که، منع از خروج، مقید به غیر اذن شوهر است؛ بنابراین، اگر مرد اجازه دهد، مانعی ندارد. (حلی، ۱۴۰۸ق: ۳۲/۳).

(۵) بانظر به فتوای برخی از فقهاء، می توان به طور صریح حکم به جواز خروج زن از منزل طلاق نمود، البته اگر با توافق طرفین باشد. (حلبی، ۱۴۰۳ق: ۳۱۲/۱؛ حلبی، ۱۴۰۸ق: ۱۷۹/۴).

۵-۳- ادله ی دیدگاه سوم

برای دیدگاه سوم که مشروعیت خروج زن را تنها در موارد ضرورت قائل بودند، مستندی برای آن بیان نشده است؛ اما می تواند دلیل این دیدگاه، برخی از روایات باشد:

در مکاتبه ی صفار از امام عسکری (علیه السلام) رسیده است: در مورد زنی که همسرش او را طلاق داده و زوج در زمان عده از جهت نفقه به زن رسیدگی نمی کند و این باعث شده که زن در امور زندگیش محتاج و نیازمند گردد، سوال شد: آیا جایز است از منزل طلاق خارج شود و برای رفع نیازش کار کند؟ امام در جواب فرمودند: بله، هیچ اشکالی ندارد. (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ۴۹۹/۳)

وجه استدلال: همانطور که در نگاه ابتدایی به نظر می آید، این زن در امور معاش و زندگی اش دچار تنگی و سختی شده و به دیگر سخن، مضطر شده است؛ امام (علیه السلام) نیز به صراحت فرموده اند: برای رفع این امور، می تواند خارج شود. پس زن مطلقه رجعی، خروج آن فقط در وقت ضرورت بدون اشکال است.

البته بدیهی به نظر می رسد، در این مسأله که زن می تواند در هنگام اضطراب خارج شود، از ناحیه فقهاء اختلافی نیست و بلکه مورد اجماع علماء می باشد. (نجفی، ۱۴۰۴ق: ۳۲/۳۲).

لازم به ذکر است، در حقوق مدنی، ماده ۱۱۱۵ مطابق با این دیدگاه می باشد. در این ماده آمده است:

«اگر بودن زن با همسرش در یک منزل، متضمن خوف بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد، زن می تواند مسکن دیگری انتخاب کند و در صورت ثبوت

مظنه ضرر مزبور، محکمه حکم به بازگشت زن نخواهد کرد و تا زمانی که زن از بازگشت معذور است، نفقه بر مرد واجب و لازم است.» (کاتوزیان، ۱۳۹۱ش: ۶۷۷).

اما با توجه به قید ضرورت که در این دیدگاه برای جواز و مشروعیت خروج بیان شده است، این طور به نظر می رسد که، این رأی ناظر به احکام ثانویه و در فرض ضرورت است. بنابراین، همان ادله ی ضرورت مانند قاعده لاضرر، قاعده لاجرح یا قاعده الضرورات تبیح المحذورات، مستند این دیدگاه است؛ یعنی از آنجا که، عدم جواز خروج زن مطلقاً سبب ضرر به زوجه و در مواردی به زوج می شود، برای دفع این ضرر، بیرون رفتن زن جایز است.

۵-۳-۱- نقد و بررسی

در مقام پاسخ به دیدگاه سوم، می توان گفت: همانطور که بیان شد، در این مسأله هیچ اختلافی وجود ندارد و در صورت تحقق ضرورت، هر حکم اولیه ای برداشته می شود؛ حتی حرام هایی که عقوبت سخت داشته و از گناهان کبیره باشند؛ اما نیاز به دقت و تأمل است که، اگر طرفین بر خروج زن از منزل طلاق راضی باشند و مانع دیگر هم در کار نباشد، چرا خروج زن جایز نباشد؛ در حالی که شما حکم جواز را منحصر به حالت ضرورت کردید؟!

روایتی هم که بیان شد، به نظر در مقام بیان فرد مضطر است؛ اما فرض مسأله ی حاضر، در ناحیه رضایت و توافق طرفین بر خروج زن می باشد؛ و به تعبیر دیگر، این روایت از بحثمان خارج است.

۵-۴- ادله ی دیدگاه چهارم

قول چهارم در مسأله، شبیه دیدگاه سوم است؛ اما با این تفاوت که، خروج در صورت اضطرار را مقید به یک زمان و شرایط محدودی کرده اند؛ حال ممکن است مستند آنها، برخی از روایات باشد که در ذیل به یکی از آنها به اختصار پرداخته می شود:

از امام (علیه السلام) در مورد زنی که طلاق داده می شود، سوال شد: در کجا باید عده نگه دارد؟ امام (علیه السلام) فرمودند: در خانه اش و از آنجا خارج نشود، و اگر می خواهد به دیدار کسی برود، باید بعد از نیمه ی شب خارج شود و تا قبل از طلوع فجر هم بازگردد و برای زن در زمان عده، حجبی نیست تا اینکه عده تمام شود.

وجه استدلال: از اینگونه روایات این طور استفاده می شود که، زن نباید در زمان عده خارج شود؛ اما اگر نیاز به بیرون رفتن پیدا کرد، فقط باید در زمان مشخص شده در متن روایت خارج شود. (یوسفی (کاشف الرموز)، ۱۴۱۷ق: ۲/۲۳۱).

۵-۴-۱- نقد و بررسی

در جواب به این دیدگاه باید گفت: (۱) به نظر می رسد، این روایت مضمهره باشد و در مقابل روایاتی که صحیح و تصریح بر جواز دارند و جواز را مقید به زمان خاصی نکرده اند، نمی توانند ایستادگی کنند.

(۲) این دسته از روایات را باید بر آنچه که با آن دفع ضرورت می شود، حمل کرد. (نجفی، ۱۴۰۴ق: ۳۲/۳۳۶)

نتیجه گیری

پذیرش جواز خروج زن در عده رجعی با رضایت شوهر، دیدگاه حق است. از این رو با توجه به طلاق های زیادی که در جامعه امروزی رخ می دهد، زن می تواند با توافق همسر خود از منزل طلاق خارج شود و حرمت خروج که دغدغه خیلی از خانمهای مطلقه می باشد، برداشته شده است. ملاک برای جواز خروج که اذن شوهر باشد، طبق برخی از روایات موجود است. مشروعیت این مسأله بر اساس عناوین و احکام ثانویه (یعنی حکمی که از ناحیه شارع در شرایط ویژه و خاصی مثل عسر و حرج جانشین حکم اولی شارع قرار می گیرد) نیز قابل اثبات است. بنابراین، بر فرض بر اساس عناوین و احکام اولیه این مشروعیت پذیرفته نشود، لااقل بر اساس احکام ثانویه این مشروعیت ثابت است و خروج زن از منزل طلاق با رضایت زوج اشکالی ندارد.

منابع

قرآن کریم.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، علی اکبر غفاری، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۳، چاپ اول.
۲. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، موسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹، چاپ اول.
۳. حلبی، تقی الدین، الکافی فی الفقه، کتاب خانه امیر المومنین اصفهان، ۱۴۰۳، چاپ اول.
۴. حلی، ابن ادریس، محمد بن منصور، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۰، چاپ دوم.
۵. حلی، حسن بن یوسف، التحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه، موسسه امام صادق (علیه السلام)، قم، ۱۴۲۰، چاپ اول.
۶. -----، قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۳، چاپ اول.
۷. -----، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، موسسه اسماعیلیان، قم، ۱۴۰۸، چاپ اول.
۸. زمخشری، محمود بن عمر بن محمد، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، مسعود انصاری، شمشاد، تهران، ۱۳۹۱، چاپ دوم.

۹. سعدی ابو جیب، القاموس الفقہیہ لغہ و اصطلاحا، دار الفکر، دمشق، ۱۴۰۸، چاپ دوم.
۱۰. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، سید احمد حسینی، کتابخانہ مرتضوی، تهران، ۱۴۱۶، چاپ سوم.
۱۱. طوسی، محمد بن حسن، التہذیب الاحکام، خرسان حسن الموسوی، دار الکتب الاسلامی تهران، ۱۴۰۷، چاپ اول.
۱۲. -----الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، خرسان حسن الموسوی، تهران، ۱۳۹۰، چاپ اول.
۱۳. -----المبسوط فی الامامیہ، المکتبہ المرتضویہ، قم، ۱۳۸۷، چاپ اول.
۱۴. عاملی، زین الدین، الروضہ البہیہ فی شرح اللعہ الدمشقیہ، قم، ۱۴۱۰، چاپ اول.
۱۵. -----المسالك الافہام الی تنقیح شرایع الاسلام، قم، ۱۴۱۳، چاپ اول.
۱۶. عبد الرحمن، محمود، معجم المصطلحات و الالفاظ الفقہیہ.
۱۷. فخرالمحققین، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، سید حسین موسوی کرمانی موسسہ اسماعیلیان، قم، ۱۳۸۷، چاپ اول.
۱۸. فراہیدی، خلیل، العین، موسسہ الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۸، چاپ اول.
۱۹. قرشی، سید علی اکبر، قاموس القرآن، دار الکتب الاسلامیہ، تهران، ۱۴۱۲،

چاپ ششم.

۲۰. کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، بنیاد حقوقی، تهران، ۱۳۹۱، چاپ سی و چهارم.

۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الاسلامی تهران، ۱۴۰۷، چاپ اول.

۲۲. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۴، چاپ هفتم.

۲۳. هاشمی شاهرودی، محمود، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم السلام)، موسسه دارالمعارف فقه اسلامی، قم، ۱۳۸۷، چاپ اول.

۲۴. یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، تکمله العروه الوثقی، کتاب فروشی داوری، قم، ۱۴۱۴، چاپ اول.

۲۵. یوسفی، حسن، کشف الرموز فی شرح مختصر النافع، انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۷، چاپ سوم.